

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

کاتاسانوف والنتنین*

برگردان از: ا. م. شیر

۲۱ می ۲۰۱۷

کسب و کار در پوشش امور خیریه

صلاحیت قضائی پناهگاه‌ها، که کسب و کار برای گریز از تأدیه مالیات بر درآمدها و دارائی‌های میلیاردی خود به آنجا پناه می‌برد، یکی از مسائل کلیدی اقتصادی و مالی بین‌المللی شمرده می‌شود. به جز این، «پناهگاه‌های مالیاتی» دیگری هم در جهان وجود دارند، که بندرت در باره آنها سخن گفته می‌شود و هیچ کسی قصد از میان برداشتن آنها را ندارد. سخن بر سر فعالیت‌های سازمان‌های به اصطلاح خیریه است. در پشت این عنوان در برخی کشورها کسب و کاری پنهان می‌شود که از معافیت مالیاتی کامل یا بخشی استفاده می‌کند. شرکت‌ها، بانک‌ها، بنیادها، سازمان‌های غیرانتفاعی می‌توانند وضعیت «خیریه» دریافت نمایند.

فعالیت‌های خیریه در ایالات متحده آمریکا دارای ابعاد خاصی می‌باشد و میلیون‌ها نفر به طور مستقیم یا غیرمستقیم به آن‌ها جلب شده است. زمانی که فرصت حضور در دانشگاه‌های آمریکا به من دست داد (اوایل سال‌های ۱۹۹۰)، در کمال حیرت متوجه شدم، که کار در بنیاد رازینگ (fund-raising) در زمینه دریافت پاداش‌ها و سایر کمک‌ها از بنیادهای خیریه یکی از پر طرفدارترین حرفه‌هاست. این «علم» را چند سال به دانشجویان تعلیم می‌دهند، پس از آموزش، آن‌ها برای کار در آن مؤسساتی استخدام می‌شوند، که به طور کامل یا جزئی به کمک‌های مالی بنیادهای خیریه وابسته هستند.

در اینجا برخی از داده‌های کلی در مورد دامنه فعالیت‌های خیرخواهانه در آمریکا را برمی‌شمارم. در اواخر سال ۲۰۱۵ در آمریکا یک و نیم (رقم دقیق یک میلیون و پانصد و بیست و یک هزار و پنجاه و دو) سازمان مشغول به امور خیریه وجود داشت. این‌ها، در وهله اول، بنیادهای خیریه «سنتی» هستند که تعداد آنها در حدود ۹۰ هزار واحد است. آنها به دو بخش خصوصی و عمومی تقسیم می‌شوند. بنیادهای خصوصی به واسطه مؤسسات خود مدیریت می‌شوند (مثلاً، بنیادهای فورد، راکفلر، کارنگی). بنیادهای عمومی علی‌الظاهر با افراد مشخص یا شرکت‌ها فاصله دارند و مطابق منافع حامیان مالی بنیاد عمل می‌کنند. تراست‌های خیریه که دارای گونه‌های بیشتری هستند، به درجات خاص تقسیم می‌شوند. مانند: چرایتیل رمایندر یونیتراستس، چرایتیل رمایندر انیوتی تراستس، چرایتیل لید تراستس و غیره (Charitable Remainder Unitrusts, Charitable Remainder Annuity Trusts, Charitable Lead Trusts). امروز سازمان‌هایی به نام «بنیاد دونه ادوایزد» (Donor advised funds) محبوبیت بیشتر کسب می‌کنند. با این که بنیادها ظاهراً نه به واسطه مؤسسات، بلکه، توسط سازمان‌های

حرفه‌ای متخصص اداره می‌شوند، اما، فرد مؤسس هر لحظه از حق ورود به روند مدیریت برخوردار است. در سال ۲۰۱۳ با کمک مکانیزم بنیاد دونر ادوایزد مدیریت بیش از ۲۱۷ هزار شماره حساب ویژه بانکی اجراء شد. همچنین تعداد زیادی سازمان‌های به اصطلاح حامی وجود دارد که در بازار صندوق خیریه به ایفای نقش مشاور یا دلال مشغول هستند.

بخش عظیم تجارت مبتنی بر به اصطلاح امور خیریه، طی سده گذشته در امریکا پدید آمد. در این بخش در مجموع بیش از ۱۰ میلیون نفر یا ۷ درصد مشغولان فعالیت‌های اقتصادی امریکا کار می‌کند. در سال ۲۰۱۲ دارائی ساختارهای مختلف نوع عمومی خیریه به بیش از ۳ تریلیون دلار، سود آنها یک تریلیون و ۶۵۰ میلیارد دلار و مخارج آنها یک تریلیون و ۵۷۰ میلیارد دلار بالغ می‌شد. البته، بخش عمده دارائی‌ها، درآمدها و هزینه‌ها با کسب و کار سنتی مرتبط است و بر اساس افزایش سود کار می‌کند. مخارج اختصاص یافته به امور خیریه به شکل «پسماند جامد» در سال ۲۰۱۴ شامل ۳۵۹ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار بود، اما در سال ۲۰۱۵ به ۳۷۳ میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلار افزایش یافت. این مبلغ رکوردی است که در بازه زمانی چهار دهه به صورت مطلق مشاهده می‌شود. این مبلغ به صورت نسبی تقریباً با ۲ و یک دهم درصد تولید ناخالص ملی امریکا برابر است. برای مقایسه: میانگین انتقالات خیریه در مدت چهار دهه گذشته یک و ۹ دهم درصد تولید ناخالص ملی بود. چهار منبع اصلی کمک‌های خیریه عبارت است از: ۱- کمک‌های شخصی (۲۶۸ میلیارد و ۲۸۰ میلیون دلار در سال ۲۰۱۵)؛ ۲- دارائی‌های حاصل از وصیت‌نامه‌ها (۲۸ میلیارد و ۷۲۰ میلیون دلار)؛ ۳- کمک‌های کمپانی‌ها (۱۸ میلیارد و ۴۶۰ میلیون دلار)؛ ۴- کمک‌های بنیادهای خیریه (۵۷ میلیارد و ۱۹۰ میلیون دلار).

پس کمک‌ها به کدام عرصه‌ها هدایت شدند؟ چنین هدفمند در سال ۲۰۱۵ به ترتیب زیر بود (%): حوزه دینی- ۳۲؛ تحصیل- ۱۵؛ کمک‌های نوع‌دوستانه- ۱۲؛ صندوق‌های خیریه- ۱۱؛ بهداشت و تندرستی- ۸؛ سایر حوزه‌ها (محیط زیست، حفاظت از حیات وحش، فرهنگ و هنر، برنامه‌های بین‌المللی)- ۲۲.

مسیرهای انتقال وجوه خیریه بسیار متنوع هستند. وجه اهدائی می‌تواند به طور مستقیم از اهداکننده به طرف ذی نفع انتقال یابد. مؤسسات خیریه اینترنتی در این مورد نقش هر چه بیشتری ایفا می‌کنند (با بهره‌گیری از اینترنت و حتی ارز رقمی). ممکن است کمک از طریق واسطه (مؤسسات و بنیادهای خیریه) ارائه شود. امکان دارد به واسطه اهداکننده به بنیادهای خیریه انتقال یابد، در این صورت بنیادها خودشان تصمیم می‌گیرند به چه کسی و به چه میزان کمک نمایند. و الی آخر.

اقتصاددانان و جامعه‌شناسان امریکائی بر این باورند، که نقش ساختارهای خیره در توزیع تولید ناخالص داخلی در آینده افزایش خواهد یافت. بر اساس مطالعات به عمل آمده زیر نظر بانک امریکا در سال ۲۰۱۰، از طریق مکانیزم مؤسسات خیریه در دوره زمانی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۵۲ (در طول ۵۵ سال) از ۲۱ تریلیون و ۲۰۰ میلیارد تا ۵۵ تریلیون و ۴۰۰ میلیارد دلار، به عبارت دیگر، به طور میانگین سالانه ۳۸۰ تا یک تریلیون دلار در امریکا بازتوزیع خواهد شد. در اواسط سده جاری بازتوزیع تولید ناخالص داخلی از طریق مؤسسات خیریه (تقریباً همه آنها موقعیت غیردولتی دارند) با بازتوزیع بودجه دولتی (فدرال) قابل قیاس خواهد بود. به سخن دیگر، دولت در عرصه اجتماعی «استراحت» خواهد کرد و کسب‌وکار خصوصی همه «تعهدات اجتماعی» را بر عهده خواهد گرفت.

من در این باره نوشتم، که اروپا در قرن بیستم در زمینه توسعه «اقتصاد خیریه» بشدت از امریکا عقب مانده است، اما از اوایل سده بیست و یکم به ایجاد سریع این عرصه جدید پرداخته است. بنا به ارزیابی سازمان مرکز

بنیاد اروپائی، در سال ۲۰۱۰ بیش از ۱۱۰ هزار مؤسسه خیریه در اروپا فعالیت می‌کرد؛ در این مؤسسات در حدود یک میلیون نفر به کار اشتغال داشت؛ کمک‌های خیریه به ۱۰۰ میلیارد یورو بالغ می‌شد.

علت «تب خیریه» که دنیای کهنه و نو را فراگرفته، بسیار ساده است: کسب‌وکار و شهروندان ثروتمند برای به دست آوردن مطلوب‌ترین نظام مالیاتی بسیار علاقه‌مند هستند. به ویژه امروز، که حمله به بسیاری از پناهگاه‌ها آغاز شده است. مؤسسات خیریه هم از مالیات بر درآمد و هم از مالیات بر دارائی آزاد می‌شوند. در امریکا، از جمله، این حق بنیادهای خیریه در قانون مالیاتی تصریح شده است. فقط مالیات خاصی، که معلوم نیست چرا غیرمستقیم نامیده می‌شود، به میزان ۱-۲ درصد از سود خالص سرمایه‌گذاری اخذ می‌شود. لازم به ذکر است، که در حال حاضر مالیات بر درآمد کمپانی‌ها در امریکا با نرخ ۳۵ درصد اخذ می‌شود (ترامپ وعده داده است آن را تا ۱۵-۲۰ پائین آورد). مؤسسات خیریه اروپا نیز تقریباً از چنین حقوقی بهره‌مند هستند.

یک مسأله مهم دیگر این است، که حمایت‌کنندگان نیز از معافیت‌های مالیاتی برخوردارند. به عبارت روشن‌تر، هر کس با مؤسسات خیریه کار می‌کند و کسانی که بدون واسطه عمل می‌کنند، از مالیات معافند. اشخاص حقیقی از مالیات بر عایدات و کمپانی‌ها از مالیات بر درآمد معاف می‌شوند. معافیت از مالیات بر ارثیه یا دارائی اهدائی برای افراد حقیقی ثروتمند اهمیت خاصی دارد. در اکثریت کشورهای غربی مالیات بر ارث به طور تصاعدی دریافت می‌شود. سقف مالیات در کشورهای مختلف به این ترتیب است (%): اسپانیا- ۳۴؛ جمهوری چک- ۴۰؛ انگلستان- ۴۰؛ آلمان- ۵۰؛ فرانسه- ۶۰. قابل توجه این است، که در امریکا در دوره ریاست جمهوری بوش مالیات به طور کلی ملغاً گردید، اما بعد از مدت کمی، در سال ۲۰۱۱ آن را مجدداً برقرار نمودند. در اینجا میزان مالیات طبق قوانین ایالت‌ها معین می‌شود. حداکثر ۵۵ درصد مؤسسات خیریه دارائی‌های متوفیان ثروتمند را در اختیار می‌گیرند، در این حالت وارثان اینگونه انتقال را به مثابه تحویل دارائی به مدیریت معتمد تلقی می‌نمایند. به ویژه اگر سخن از دارائی «خانوادگی» و وجوه «خانوادگی» در میان باشد. شبکه بنیادهای خاندان راکفلر نمونه روشن چنین بنیادهای خیریه «خانوادگی» شمرده می‌شوند: بنیاد راکفلر، بنیاد برادران راکفلر، بنیاد خانواده‌های راکفلر.

خانواده‌های الیگارش‌ی برای گریز از مالیات می‌توانند در عین حال در پشت چند بنیاد پنهان شوند. مثلاً، خانواده راکفلرها در سال‌های ۱۹۷۰ ثروت خود را در پشت بیش از ۱۰۰ مؤسسه خیریه و صندوق امانی پنهان نمودند. در این حال الیگارش‌ها با توافق ضمنی در باره خدمات متقابل، می‌توانند وجوه مالی خود را در قالب «همکلاسی» به عهده «چتر حمایتی» واگذار نمایند.

فعالیت‌های خیریه منعکس‌شده بسیاری از بنیادها و مؤسسات در گزارش‌ها و مجلات پر زرق و برق، فقط بخش کوچکی از فعالیت‌های آنها را می‌تواند بازتاب دهد. اغلب فقط نوک کوه یخ را می‌نمایاند. امور خیریه یعنی تظاهر. این که به حساب درآمد تأمین مالی می‌شود، درست، اما نه همه، بلکه فقط بخشی از آن. اما قسمت پائین کوه یخ، که در آب است، به خوبی دیده نمی‌شود. سخن بر سر آن است، که بنیادهای خیریه به عملیات مالی مرسوم و اغلب بسیار مخاطره‌آمیز مشغول می‌شوند. عواقب مالی چنین عملیاتی می‌تواند به طور کلی در گزارشات مالی بنیادهای خیریه بازتاب نیابد، بلکه به دیگر ساختارهایی که علی‌الظاهر هیچ ارتباطی با بنیاد نداشته باشند، انتقال یابد، اما این طرح‌های پیچیده زیر نظارت ذینفع اصلی (همان راکفلرها و سایر میلیاردرها) قرار دارند. فقط باید توجه داشت، که بنیادهای خیریه در اروپا محافظه‌کارترند و به واسطه اوراق بهادار کمتر مخاطره‌آمیز تأمین مالی می‌شوند (مثلاً، با اوراق قرضه خزانهداری). بنیاد خیریه در امریکا با سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار شرکت‌ها، و نه فقط در قالب اوراق قرضه، حتی به صورت سهام، یک کسب‌وکار مخاطره‌آمیز است. آنها در سرمایه صندوق‌های تأمینی

مشارکت می‌نمایند، با ابزارهای مالی مشتقه کار می‌کنند و الی‌آخر. در کل، تحت پوشش «امور خیریه» به همان کارهایی مشغول می‌شوند، که سوداگران عادی مشغول هستند.

شایسته توجه است، که بنیادهای خیریه (به ویژه بنیادهای امریکائی) از امتیازاتی مانند گزارش‌های مالی ساده شده برخوردار هستند. تنظیم‌کنندگان مالی با آن دقتی که مؤسسات تجاری را بازرسی می‌کنند، آنها را بازرسی نمی‌کنند. آ. و. لوچنکو (A. V. Levchenko) در اثر خود به نام «بنیادهای خیریه در بازار اوراق بهادار» در خصوص «شفافیت» بنیادهای خیریه می‌نویسد: «شفافیت اطلاعات مؤسسات خیریه به حد کافی پائین است. در ارتباط با عدم نیاز به انتشار اجباری گزارش محاسباتی برای تمامی مؤسسات خیریه، فقط برخی از بنیادهای خیریه گزارش محاسبات خود را، آنها در مقادیر مختلف و به اشکال مختلف اعلام می‌نمایند. همچنین، یکی دیگر از مشکلات عبارت است از عدم وجود معیارهای یکسان ارزیابی دارایی‌ها، که بخش بزرگ آن‌ها می‌توانند به شکل غیرنقدی، مرتبط با الزامات خاص باشند (سهام انتقالی بدون حق رأی، مجموعه نقاشی‌ها و غیره)». در واقعیت امر، در ورای دیوار امور خیریه زندگی عرفی سرمایه‌داران با پیگیری برای کسب سود در غلیان است. بنیاد استیکتینگ آی‌ان‌جی‌کای (Stichting INGKA) بزرگترین بنیاد خیریه در جهان امروز به حساب می‌آید. این مؤسسه به میلیارد سوئدنی، اینگوار کامپراد، مؤسس و صاحب کمپانی آی‌کای‌ای (IKEA) تعلق دارد. دارایی بنیاد او حداقل ۴۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود. اگر فرض شود، که سودآوری دارایی‌ها ۵ درصد (یک فرض بسیار منطقی) است، در این صورت سود سالانه آن شامل ۲ میلیارد دلار خواهد بود. کمک‌های خیریه در این پس‌زمینه، که کمپانی کامپراد ارائه می‌دهد، ناچیز به نظر می‌رسد. به نظر، بنیاد استیکتینگ آی‌ان‌جی‌کای یک پناهگاه فوق‌العاده بزرگ است.

در پایان نظر اقتصاددان و کنشگر سیاسی امریکائی لندون لاروش را در این خصوص که بنیاد خیریه نشاندهنده چیست، یادآور می‌شویم: «بنیاد خیریه قبل از هر چیز، بر مبنای رباخواری استوار شده است. این، سود خالص است. بنیاد، بالاتر از یک شرکت مالی می‌باشد، که به طور معمول از معافیت مالیاتی- هزینه‌هایی در امور خیریه و غیره... برخوردار است. هدف اصلی بنیاد عبارت است از تداوم خود از راه تولیدمثل بر اساس ربا. چنین بنیادهایی نقش اصلی را در جامعه اروپا و امریکا بازی می‌کنند. این بنیادها از حق مالکیت بر بخش بزرگی از دارایی‌های مالی برخوردار هستند. در حال حاضر این بنیادها سود خود را از عایدات به متنوع‌ترین شکل کسب می‌نمایند. آنها در اوراق بهادار سرمایه‌گذاری می‌کنند. آنها به منظور کسب سود تجاری در تجارت، از قبیل کارتل‌های بین‌المللی مواد غذایی و غلات سرمایه‌گذاری می‌کنند. بنیادها فقط به حداقل مخاطرات می‌روند. آنها به کارفرمایانی که مخاطرات بر عهده خود می‌گیرند، پول قرض می‌دهند. آنها به مثابه قدرت‌های مالی از بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و امثالهم پشتیبانی می‌کنند. در نتیجه این، آنها بر زندگی اقتصادی اکثریت مردم نظارت می‌کنند. علاوه بر این، آنها به امور خیریه نیز مشغول می‌شوند: آنها کمک‌های مالی ارائه می‌دهند و به برکت آن تحصیل، علم، فرهنگ و هنر را به زیر کنترل خود درمی‌آورند. آنها رسانه‌ها، بخش اصلی مطبوعات را کنترل می‌نمایند. ما، واقعاً جامعه‌ای داریم که مردم می‌گویند: دولت این کار را می‌کند، دولت آن کار را می‌کند. نه! شما ببینید چه کسانی در پشت دولت‌ها هستند که آنها را به برداشتن این یا آن گام وامی‌دارند. این‌ها به سان انگل در بدن جامعه موجودند و آنها، بنیادها، همچو سرطان».

*پروفسور، دکتر علوم اقتصاد، مدیر مرکز پژوهش‌های اقتصادی «شاراپوف» روسیه - ۳۰ اردیبهشت- ثور

۱۳۹۶